



## بررسی برخی عوامل هویت‌ساز با در نظر گرفتن میانجی‌گری دینداری (مطالعه موردی جوانان شهر اهواز)

محمد باقر کوپایی<sup>۱\*</sup>، منصور وثوقی<sup>۲</sup>

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: mohammadkoopai@pnu.ac.ir

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش فشار هنجاری، سازگاری اجتماعی و عزت‌نفس بر هویت اجتماعی جوانان شهر اهواز با توجه به نقش میانجی‌گری دینداری است. این تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته انجام شد. جامعه آماری شامل جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر اهواز بود که ۴۰۰ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با بهره‌گیری از مدل‌یابی معادلات ساختاری، تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، و نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شدند. پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ و برازش مدل با شاخص‌های مقتصد، مطلق و مقایسه‌ای تأیید شد. نتایج نشان داد بین فشار هنجاری و هویت اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، و این متغیر از طریق دینداری نیز تأثیر غیرمستقیم نشان داد. بین سازگاری اجتماعی و هویت نیز رابطه مثبت و معنادار به دست آمد و دینداری نقش میانجی در این رابطه ایفا کرد. اما بین عزت‌نفس با هویت اجتماعی و همچنین بین عزت‌نفس و دینداری رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج مدل مسیر نیز نشان داد دینداری تنها در روابط مربوط به فشار هنجاری و سازگاری نقش میانجی دارد. پژوهش نشان می‌دهد که در میان عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی جوانان، فشار هنجاری و سازگاری اجتماعی مهم‌ترین نقش را دارند و دینداری این تأثیر را تقویت می‌کند؛ در حالی که عزت‌نفس در پیش‌بینی هویت اجتماعی جایگاه معناداری ندارد. این نتایج اهمیت عوامل اجتماعی و فرهنگی را در شکل‌گیری هویت جوانان برجسته می‌سازد.

**کلیدواژه‌گان:** هویت، فشار هنجاری، سازگاری اجتماعی، عزت‌نفس، دینداری، جوانان، اهواز، میانجی‌گری، هنجارهای ذهنی.

تاریخ ارسال: ۲۴ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۸ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۵ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۲۴ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵



**How to cite:** Bagher Koopai, M., & Vosoughi, M. (2026). Investigating Some Identity-Building Factors Considering the Mediation of Religiosity (Case Study: Youth in Ahvaz). *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(3), 1-15.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

## Investigating Some Identity-Building Factors Considering the Mediation of Religiosity (Case Study: Youth in Ahvaz)

Mohammad Bagher Koopai<sup>1\*</sup>, Mansour Vosoughi<sup>2</sup>

1. Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Department of Social Sciences, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

\*Corresponding Author's Email: mohammadkoopai@pnu.ac.ir

### Abstract

The main objective of this study was to examine the effects of normative pressure, social adaptation, and self-esteem on youth social identity, considering the mediating role of religiosity. This survey-based study collected data using a researcher-made questionnaire. The statistical population consisted of young individuals aged 18–29 in Ahvaz, from whom 400 participants were selected through multistage stratified random sampling. Data analysis employed Structural Equation Modeling (SEM), including exploratory and confirmatory factor analyses, using SPSS and AMOS. Reliability was verified through Cronbach's alpha, and model fit indices across parsimonious, absolute, and comparative categories confirmed the adequacy of the measurement model. The results indicated a significant positive association between normative pressure and social identity, both directly and indirectly through religiosity. Social adaptation also showed a significant positive relationship with social identity, mediated by religiosity. However, no significant relationship was found between self-esteem and social identity, nor between self-esteem and religiosity. Path analysis confirmed that religiosity served as a mediator only for normative pressure and social adaptation, but not for self-esteem. The findings demonstrate that normative pressure and social adaptation are key determinants of youth social identity, with religiosity reinforcing these influences. In contrast, self-esteem does not play a meaningful role in predicting social identity. Overall, the study highlights the central importance of social and cultural factors in shaping youth identity.

**Keywords:** *Identity, Normative pressure, Social adaptation, Self-esteem, Religiosity, Youth, Ahvaz, Mediation, Subjective norms.*

Submit Date: 15 July 2025

Revise Date: 29 November 2025

Accept Date: 06 December 2025

Initial Publish: 15 December 2025

Final Publish: 23 September 2026

هویت در دنیای معاصر به یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مطالعات فرهنگی تبدیل شده است؛ مفهومی که نه تنها نظام معنابخشی افراد را در زندگی روزمره مشخص می‌کند، بلکه مسیر تعاملات آنان با جامعه و شبکه‌های اجتماعی را نیز تعیین می‌سازد. بسیاری از اندیشمندان هویت را محصولی اجتماعی می‌دانند که در بستر روابط، تعاملات و ساختارهای فرهنگی ساخته و بازتولید می‌شود. گیدنز تأکید می‌کند که در عصر مدرن، هویت یک کنش بازتابنده و مستمر است که افراد باید آن را در جریان زندگی و در مواجهه با انتخاب‌های متعدد و تغییرات سریع اجتماعی سامان دهند (Giddens, 2007). به بیان دیگر، هویت یک امر ایستا نیست، بلکه پدیده‌ای پویا، در حال دگرگونی و متأثر از زمینه‌های متکثر فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی است.

در این میان، تحولات گسترده جهانی‌شدن، دگرگونی ساختارهای خانوادگی، رشد فناوری‌های دیجیتال و فرایندهای نوسازی باعث شده‌اند که نسل جوان بیش از پیش با وضعیت‌های تعارض‌آمیز هویتی مواجه شود. پژوهش‌هایی مانند مطالعات مشکینی و همکاران درباره آینده بحران هویت جوانان در ایران نشان می‌دهد که تغییرات سریع فرهنگی و تضاد میان نسل‌ها می‌تواند زمینه‌ساز نوعی سردرگمی، چندپارگی و بی‌ثباتی در هویت شود (Meskhini et al., 2023). این بحران زمانی تشدید می‌شود که نظام‌های معنایی سنتی توان هدایت نسل جدید را از دست بدهند و منابع تازه هویت‌ساز نیز نتوانند انسجام لازم را ایجاد کنند.

در سطح جهانی، پدیده هویت در نوجوانان و جوانان نیز با پیچیدگی‌های تازه‌ای مواجه است. پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهد که فشار همسالان و هنجارهای گروهی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌دهی به هویت جوانان به شمار می‌آیند و می‌توانند رفتارهای آنان را در مسیرهای متضادی هدایت کنند. دماس و همکاران مطرح می‌کنند که فشار گروه همسالان می‌تواند در برخی موارد به رفتارهای پرخطر منجر شود، اما فرایند توسعه هویت می‌تواند نقش محافظتی داشته باشد (Dumas et al., 2012). همین ارتباط بین هویت و فشار هنجاری، ضرورت بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جوانان را برجسته می‌کند.

یکی از عوامل مهم هویت‌ساز، هنجارهای ذهنی و ادراک جوانان از انتظارات اجتماعی است. نظریه هنجارهای ذهنی مبتنی بر این فرض است که رفتار فرد تحت تأثیر درک او از فشار اجتماعی و خواست اطرافیان شکل می‌گیرد؛ نظریه‌ای که در کارهای ریمال و ریل به‌خوبی تشریح شده است (Rimal & Real, 2003). همچنین، کینکید در نظریه «نفوذ هنجاری محدود» بیان می‌کند که هنجارهای اجتماعی می‌توانند رفتار فرد را در محدوده ساختارهای جمعی و زمینه‌ای مشخص شکل دهند (Kincaid, 2004). به همین دلیل، فشار هنجاری یکی از عناصر کلیدی در مسیر شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان شناخته می‌شود، زیرا آنان در تعامل با اطرافیان خود و در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی، ناگزیر به تنظیم رفتارهای خود بر اساس معیارهای جمعی هستند.

اما هویت تنها از سازوکارهای اجتماعی تأثیر نمی‌پذیرد. مجموعه‌ای از عوامل روان‌شناختی همچون عزت‌نفس نیز نقشی اساسی در آن دارد. نظریه‌های روان‌شناختی نشان می‌دهند که افراد برای شکل دادن به هویت منسجم نیازمند درکی پایدار از ارزشمندی خود هستند. با وجود این، پژوهش‌های مربوط به رابطه عزت‌نفس و هویت اجتماعی نتایج یکسانی ارائه نکرده‌اند. چنگ و سوتیکون نشان می‌دهند که عزت‌نفس از طریق عوامل روان‌شناختی و هنجارهای اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Chang & Suttikun, 2017). با این حال، اینکه آیا عزت‌نفس می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مستقیم هویت اجتماعی باشد، موضوعی است که نیازمند مطالعه تجربی بیشتر است، به‌ویژه در جوامعی مانند ایران که در آن ساختارهای جمع‌گرایانه، نقش هنجارهای اجتماعی را پررنگ‌تر می‌کند.

در کنار این عوامل، دینداری به عنوان یک متغیر فرهنگی-معنوی نقش مهمی در شکل‌دهی هویت، به‌ویژه در جوامعی مانند ایران، ایفا می‌کند. مذهب در طول تاریخ، یک منبع قدرتمند معنا، انسجام و هدایت رفتاری برای جوانان بوده است. پژوهش‌های بنگتسون و همکاران نشان می‌دهد که دینداری در طول زندگی می‌تواند افزایش یابد و به‌عنوان یک عامل محافظتی در برابر فشارهای اجتماعی عمل کند (Bengtson et al., 2017).

2015). در همین راستا، بررسی هویت ایرانی-اسلامی نشان می‌دهد که دینداری برای بسیاری از جوانان نه تنها منبعی برای معنا و جهت‌گیری هنجاری است، بلکه عنصری هویت‌بخش در مواجهه با تحولات مدرن است (Haqiqat, 2018).

مطالعات دیگر نیز تأثیر مذهب بر رفتارهای جوانان را تأیید کرده‌اند. سینها و همکاران نشان می‌دهند که مشارکت مذهبی می‌تواند از رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان جلوگیری کند (Sinha et al., 2007). همچنین، ملور و فریبورن نقش دینداری را در کاهش رفتارهای مخاطره‌آمیز و افزایش سلامت روانی در میان نوجوانان تبیین کرده‌اند (Mellor & Freeborn, 2011). پژوهش‌های دیگری نیز بیانگر رابطه مثبت میان دینداری و سازگاری روان‌شناختی هستند؛ برای مثال، و ahidi و احمدیان نشان می‌دهند که سطوح بالاتر دینداری با سلامت روانی و هویت دینی قوی‌تر همراه است (Vahedi & Ahmadiyan, 2014). از سوی دیگر، الویس و همکاران اهمیت دینداری را در سلامت فردی و اجتماعی به‌عنوان یک عامل حفاظتی مورد تأکید قرار می‌دهند (Alves et al., 2010).

در بستر ایرانی، مسئله دینداری در ترکیب با هویت اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. پژوهش‌هایی مانند تحقیق دهستانی و همکاران درباره رابطه دینداری و سبک‌های هویت نشان می‌دهد که هویت‌یابی جوانان در ایران به‌شدت با میزان پایبندی‌های مذهبی آنان گره خورده است (Dehestani et al., 2012). همچنین، پژوهش‌های رفیعی در خصوص نقش هویت دینی در رفتار نوجوانان معتقد است که دینداری می‌تواند حتی بر رفتارهای رسانه‌ای و گرایش‌های اعتیادآور اثرگذار باشد (Rafiee, 2023). در سال‌های اخیر، مطالعات مرتبط با هویت دینی در میان نوجوانان، مانند پژوهش حاج‌حسینی درباره تجربه دینی دختران نوجوان، نشان می‌دهد که دینداری بستر مهمی برای شکل‌گیری هویت در این دوره حساس است (Haj Hosseini et al., 2024).

در چارچوب نظری هویت، بسیاری از مطالعات کلاسیک نیز اهمیت دین را در ساخت هویت اجتماعی و فردی بررسی کرده‌اند. پارسونز دین را یک نظام ارزشی هنجاردهنده می‌داند که می‌تواند رفتار افراد را در جامعه سامان دهد (Parsons, 2007). زیمل نیز دین را یک شکل از کنش اجتماعی می‌داند که قادر است تجربه فرد را با محتوای معنوی و ارزشی غنی سازد (Varga, 2016). هرویو-لجر نقش مذهب را در ایجاد انسجام اجتماعی در جوامع مدرن بسیار تعیین‌کننده می‌داند (Hervieu-Léger, 2006). به همین ترتیب، آثار اندیشمندانی همچون اسپلمن درباره دینداری در میان ایرانیان مهاجر نیز اهمیت شبکه‌های دینی را در بازتولید هویت نشان می‌دهد (Spellman & Spellman, 2004).

از سوی دیگر، مطالعات معاصر درباره هویت دیجیتال، نقش رسانه و فضای مجازی را در تحول هویت نشان داده‌اند. پژوهش ژانگ درباره خودارائه‌گری نوجوانان چینی در پلتفرم «دوین» بیان می‌کند که فناوری‌های نوین می‌توانند الگوهای هویت‌یابی را عمیقاً دگرگون کنند (Zhang, 2025). همین تحول در ایران نیز به‌وضوح دیده می‌شود، و بررسی ارتباط میان سبک زندگی، سواد رسانه‌ای و هویت اجتماعی در مطالعات عباسی‌مقدم نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند به‌طور جدی در هویت اجتماعی جوانان نقش ایفا کنند (Abbasi Moghadam et al., 2021).

یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر هویت جوانان، سازگاری اجتماعی است. سازگاری به معنای توانایی فرد برای هماهنگ‌سازی رفتار خود با شرایط اجتماعی است و نقش مهمی در ایجاد هویت اجتماعی پایدار ایفا می‌کند. بلومر در نظریه کنش متقابل نمادین تأکید می‌کند که هویت از طریق تفسیر معانی اجتماعی و تعامل با دیگران شکل می‌گیرد (Blumer, 2013). همچنین، امیری و همکاران در پژوهشی درباره آسیب‌های اجتماعی نشان دادند که سازگاری با محیط اجتماعی می‌تواند به کاهش رفتارهای مخاطره‌آمیز و افزایش احساس تعلق منجر شود (Amiri et al., 2014). از سوی دیگر، مانینگ نیز در فراتحلیل خود تأکید می‌کند که هنجارهای ذهنی و فشارهای اجتماعی از مهم‌ترین عوامل در تعیین رفتارهای فرد در جامعه هستند (Manning, 2009). بنابراین ارتباط میان سازگاری اجتماعی و هویت امری بدیهی است و نیاز به بررسی‌های تجربی دارد.

افزون بر این، منابع دینی بین‌نسلی نیز نقشی مهم در بازتولید هویت دارند. پژوهش جولینی و رگالیا درباره هویت دینی در میان خانواده‌های قبطی مهاجر نشان می‌دهد که هویت دینی می‌تواند از طریق نسل‌ها منتقل شود (Giuliani & Regalia, 2023). مطالعات مشابهی نیز درباره انتقال ارزش‌های دینی در جوامع چندفرهنگی انجام شده است؛ برای مثال، لیته در پژوهش خود نشان می‌دهد که هویت دینی در کشورهای مختلف می‌تواند نقش‌های متفاوتی بر رفتار و روابط اجتماعی ایفا کند (Leite et al., 2023).

در کنار این موضوعات، تأثیر سنخ‌های ارزشی نیز در شکل‌گیری هویت قابل توجه است. شوارتز در نظریه ارزش‌های بنیادین خود تأکید می‌کند که ارزش‌ها می‌توانند رفتار، نگرش و هویت افراد را جهت‌دهی کنند (Schwartz, 2012). از سوی دیگر، مطالعات مرتبط با دگرگونی ارزش‌ها در ایران، به‌ویژه پژوهش حسن‌پور درباره نوسازی عصر پهلوی و پیامدهای آن، نشان می‌دهد که تغییرات ارزش‌ها می‌توانند منجر به شکاف‌های هویتی میان نسل‌ها شوند (Hasanpour et al., 2019).

در این شرایط، بررسی هویت جوانان و عوامل اثرگذار بر آن ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. پژوهش‌های معاصر درباره هویت نوجوانان نیز به پیچیده‌تر شدن این پدیده اشاره کرده‌اند. برای مثال، ییم و مک‌کن در مطالعه‌ای جدید نشان می‌دهند که حمایت اجتماعی می‌تواند مسیر توسعه هویت نوجوان را به‌طور معناداری تحت تأثیر قرار دهد (Yim & McCann, 2024). همچنین، پژوهش‌های قبلی در حوزه آسیب‌های هویتی، از جمله مطالعه قبطیه و همکاران درباره سستی هویت، تأکید می‌کنند که عوامل مختلف خانوادگی، اجتماعی و روان‌شناختی می‌توانند در شکل‌گیری بحران یا انسجام هویت نقش داشته باشند (Qibtiya et al., 2025).

در مجموع می‌توان گفت هویت جوانان در تعامل پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی شکل می‌گیرد. فشار هنجاری، سازگاری اجتماعی و عزت‌نفس از یک سو و دینداری به عنوان یک عامل میانجی از سوی دیگر، می‌توانند مسیرهای مختلفی برای تقویت یا تضعیف هویت اجتماعی جوانان تعریف کنند. ضرورت بررسی تجربی این عوامل در جامعه ایران، به‌ویژه در کلان‌شهرهایی مانند اهواز که از تنوع فرهنگی و تجربیات زیسته متفاوتی برخوردارند، بیش از پیش احساس می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی نقش فشار هنجاری، سازگاری اجتماعی و عزت‌نفس بر هویت اجتماعی جوانان با در نظر گرفتن نقش میانجی‌گری دینداری است.

## روش‌شناسی

در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده گردیده است. گزینه‌های پرسشنامه با توجه به طیف لیکرت (Harada et al., 2015) از خیلی زیاد به خیلی کم در ۵ مقیاس مورد توجه قرار گرفته است. پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق محقق ساخته می‌باشد که با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاری ۴ عامل فشار هنجاری، عزت نفس، سازگاری اجتماعی و دینداری برای مقیاس هویت اجتماعی مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. جهت پایایی متغیرها از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است (Agbo, 2010). این روش، تعمیم یافته‌ی آزمون کودر ریچاردسون است که روش اخیر بیشتر برای متغیرهای اسمی دو وجهی طراحی شده بود (Carmines & Zeller, 1979). به عنوان یک قاعده‌ی کلی، حدّ نصاب و به عبارتی مقدار آلفای کرونباخ برای یک شاخص را ۰/۷ در نظر می‌گیرند. چنانچه مقدار ضریب آلفا بزرگتر یا مساوی ۰/۷ بود، ابزار اندازه‌گیری از پایایی بالایی برخوردار بوده و در این صورت بهتر می‌توان به نتایج آن اعتماد کرد (Ling, 2008). این ضرایب برای هریک از شاخص‌ها بدین ترتیب می‌باشد: سازگاری اجتماعی (۰/۹۶)، عزت نفس (۰/۶۹)، فشار هنجاری (۰/۹۵) و هویت اجتماعی (۰/۹۶).

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) می‌باشد. به همین منظور از نرم افزارهای SPSS و Amose استفاده شده است. بعد از بررسی برقراری پیش فرض‌های لازم در مدل‌یابی معادلات ساختاری همچون نرمال بودن داده‌ها، SEM در دو مرحله اجرا شد. در مرحله اول، ابتدا تحلیل‌های عاملی تاییدی مورد استفاده قرار گرفت تا میزانی که هریک از متغیر نهفته که به وسیله شاخص‌هایش در مدل‌های اندازه‌گیری پیشنهادی ما بازنمایی شده، ارزیابی شود. در مرحله تایید مدل

اندازه گیری از سه شاخص برازش مقتصد، مطلق و مقایسه‌ای استفاده شد و بعد از اعمال اصلاحات پیشنهادی مدل توسط نرم افزار مدل اندازه‌گیری در همه شاخص‌ها مورد تایید قرار گرفت. در مرحله دوم، وقتی مدل اندازه‌گیری پذیرفته شد، تحلیل مسیر برای آزمون مدل ساختاری به کار گرفته شد. سه دسته از شاخص‌های برازش مقتصد، مطلق و مقایسه‌ای مدل پژوهش ما را از زوایای مختلف از آنچه مورد نظر است و آنچه در جامعه وجود دارد مقایسه می‌کنند. شاخص‌های مقتصد یا اقتصادی شاخص‌هایی هستند که با حداقل اطلاعات حداکثر اطلاعات برازش را ارائه می‌کنند. شاخص‌های مطلق مدل پژوهش را با یک نقطه برش مورد مقایسه قرار می‌دهد و شاخص‌های مقایسه‌ای با یک مدل ایده‌آل و بدون نقص در جامعه مورد قیاس قرار می‌دهد. همانطور که می‌دانیم از شاخص‌های مقتصد دو شاخص حتما باید درست باشند. همچنین دو شاخص از شاخص‌های مطلق و حداقل سه شاخص از شاخص مقایسه‌ای نیز باید درست باشند تا مدل از نظر برازش وضعیت مناسبی داشته باشد. بعد از انجام اصلاحات پیشنهادی همچون همبسته کردن برخی از باقی مانده‌های مربوط به سوالات هر متغیر مدل اندازه‌گیری هم در شاخص‌های روایی و پایایی و هم در شاخص‌های برازش شرایط بسیار مناسب تری از مدل اندازه‌گیری اولیه پیدا می‌کند و لذا مدل تایید می‌شود.

## یافته‌ها

در این پژوهش، هفت فرضیه مورد بررسی قرار گرفتند که به طور خاص به بررسی روابط بین متغیرهای فشار هنجاری، دینداری، سازگاری، عزت نفس، و هویت اجتماعی جوانان پرداخته شد. نتایج حاصل از تحلیل ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که اغلب این روابط از نظر آماری معنادار هستند، اما برخی از فرضیه‌ها نتوانستند به تأیید برسند.

جدول ۱. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین

| فرضیه   | متغیر مستقل | متغیر وابسته/میانجی    | ضریب همبستگی | سطح معنی‌داری | نتیجه                                      |
|---------|-------------|------------------------|--------------|---------------|--------------------------------------------|
| فرضیه ۱ | فشار هنجاری | هویت اجتماعی           | ۰/۳۳         | ۰/۰۰          | رابطه مثبت و معنادار در سطح ۹۵٪ تأیید شد.  |
| فرضیه ۲ | فشار هنجاری | دینداری (متغیر میانجی) | -۰/۲۹        | ۰/۰۰          | رابطه معکوس و معنادار در سطح ۹۵٪ تأیید شد. |
| فرضیه ۳ | دینداری     | هویت اجتماعی           | -۰/۷۳        | ۰/۰۰          | رابطه معکوس و معنادار در سطح ۹۵٪ تأیید شد. |
| فرضیه ۴ | سازگاری     | هویت اجتماعی           | ۰/۳۶         | ۰/۰۰          | رابطه مثبت و معنادار در سطح ۹۵٪ تأیید شد.  |
| فرضیه ۵ | سازگاری     | دینداری (متغیر میانجی) | -۰/۳۱        | ۰/۰۰          | رابطه معکوس و معنادار در سطح ۹۵٪ تأیید شد. |
| فرضیه ۶ | عزت نفس     | هویت اجتماعی           | ۰/۰۷         | ۰/۱۴          | رابطه معنادار نیست (سطح معناداری ۰/۰۵) >   |
| فرضیه ۷ | عزت نفس     | دینداری (متغیر میانجی) | -۰/۰۴        | ۰/۴۲          | رابطه معنادار نیست (سطح معناداری ۰/۰۵) >   |

ابتدا، فرضیه اول که به بررسی رابطه بین فشار هنجاری و هویت اجتماعی می‌پرداخت، با ضریب همبستگی ۰/۳۳ و سطح معناداری ۰/۰۰، رابطه‌ای مثبت و معنادار را نشان داد. این یافته نشان می‌دهد که با افزایش فشار هنجاری از سوی اطرافیان، هویت اجتماعی جوانان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این رابطه در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شد. این نتیجه می‌تواند نشان‌دهنده نقش مهم محیط اجتماعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان باشد.

در فرضیه دوم، رابطه بین فشار هنجاری و دینداری (به عنوان متغیر میانجی) مورد بررسی قرار گرفت. ضریب همبستگی -۰/۲۹- نشان داد که این دو متغیر رابطه‌ای معکوس دارند؛ به این معنا که با افزایش فشار هنجاری، میزان دینداری کاهش می‌یابد. این رابطه نیز در سطح ۹۵٪ معنادار شناخته شد. این یافته می‌تواند نشان‌دهنده تعارض بین فشارهای اجتماعی و تعهدات دینی در جوانان باشد.

فرضیه سوم نیز به بررسی رابطه بین دینداری و هویت اجتماعی پرداخت. ضریب همبستگی -۰/۷۳- نشان داد که این دو متغیر رابطه‌ای معکوس و قوی دارند. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش دینداری، هویت اجتماعی جوانان کاهش می‌یابد. این یافته می‌تواند به این دلیل باشد که جوانان دیندار ممکن است بیشتر به هویت فردی خود توجه کنند و کمتر تحت تأثیر هویت اجتماعی قرار بگیرند.

در فرضیه چهارم، رابطه بین سازگاری و هویت اجتماعی بررسی شد. ضریب همبستگی  $0/36$  نشان داد که این دو متغیر رابطه‌ای مثبت و معنادار دارند. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش سازگاری، هویت اجتماعی جوانان بهبود می‌یابد. این یافته می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت سازگاری اجتماعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی باشد.

فرضیه پنجم نیز به بررسی رابطه بین سازگاری و دینداری پرداخت. ضریب همبستگی  $0/31$  نشان داد که این دو متغیر رابطه‌ای معکوس دارند؛ به این معنا که با افزایش سازگاری، میزان دینداری کاهش می‌یابد. این نتیجه نیز در سطح  $95\%$  معنادار شناخته شد. این یافته می‌تواند نشان‌دهنده تعارض بین سازگاری اجتماعی و تعهدات دینی باشد.

در فرضیه ششم و هفتم، روابط بین عزت نفس و هویت اجتماعی و همچنین عزت نفس و دینداری مورد بررسی قرار گرفتند. ضرایب همبستگی به ترتیب  $0/07$  و  $0/04$  - و سطح معناداری‌های  $0/14$  و  $0/42$  نشان دادند که این روابط معنادار نیستند. این نتایج نشان می‌دهند که عزت نفس نقش چندانی در شکل‌گیری هویت اجتماعی یا دینداری جوانان ندارد.

مدل اندازه‌گیری بیانگر بارهای عاملی متغیرهای مشاهده شده برای متغیرهای نهفته است. شاخص‌های نیکویی برازش رایج مدل‌های اندازه‌گیری برای متغیرهای مدل ارائه شده است. نتایج حاکی از این است که شاخص‌های نیکویی برازش، مدل‌های اندازه‌گیری ما با داده‌ها برازش مطلوبی داشت. همه بارهای عاملی شاخص‌ها روی متغیر نهفته معنادار می‌باشد. بنابراین بعد از انجام اصلاحات پیشنهادی مدل اندازه‌گیری هم در شاخص‌های روایی و پایایی و هم در شاخص‌های برازش شرایط بسیار مناسب‌تری از مدل اندازه‌گیری اولیه پیدا می‌کند و لذا مدل تایید می‌شود.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

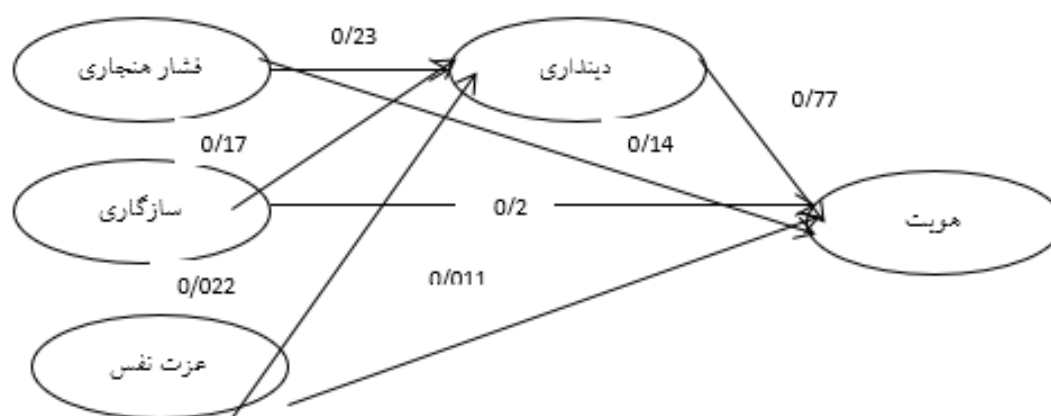
| شاخص‌ها برازش | نوع شاخص برازش | حد مجاز          | مقدار بدست آمده | نتیجه       |
|---------------|----------------|------------------|-----------------|-------------|
| PGFI          | مقتصد          | بزرگتر از $0/6$  | $0/723$         | برقرار      |
| PNFI          | مقتصد          | بزرگتر از $0/6$  | $0/77$          | برقرار      |
| CMIN/DF       | مطلق           | بین ۱ تا ۵       | $2/46$          | برقرار      |
| RMSEA         | مطلق           | کوچکتر از $0/1$  | $0/061$         | برقرار      |
| GFI           | مطلق           | بزرگتر از $0/8$  | $0/85$          | برقرار      |
| AGFI          | مطلق           | بزرگتر از $0/8$  | $0/85$          | برقرار      |
| SRMR          | مطلق           | کوچکتر از $0/05$ | $0/067$         | عدم برقراری |
| NFI           | مقایسه‌ای      | بزرگتر از $0/9$  | $0/91$          | برقرار      |
| CFI           | مقایسه‌ای      | بزرگتر از $0/9$  | $0/913$         | برقرار      |
| RFI           | مقایسه‌ای      | بزرگتر از $0/9$  | $0/85$          | عدم برقراری |
| IFI           | مقایسه‌ای      | بزرگتر از $0/9$  | $0/913$         | برقرار      |

تحلیل مسیر برای نخستین بار توسط سوئل رایت در سال ۱۹۳۴ توسعه یافت (Wright, 1934)، تعمیم یافته‌ی روش رگرسیون چند متغیره در ارتباط با تدوین مدل‌های علی است (Human, 2005). چنان‌که مشاهده می‌شود، تمام ضرائب مسیر متغیرها در نمودار مسیر "عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی جوانان بادر نظرگرفتن متغیر میانجی دینداری" مشخص شده‌اند. بر این اساس در جدول زیر، کلیه مسیرهای منتهی به متغیر وابسته شناسایی و محاسبه شده تا اثر کل متغیرهای مستقل به‌دست آید.

جدول ۳. نتایج تحلیل مسیر متغیرهای پژوهش

| متغیر            | متغیر            | تخمین استاندارد | سطح معنی داری |
|------------------|------------------|-----------------|---------------|
| فشار هنجاری      | دینداری (میانجی) | ۰/۲۳            | کمتر از ۰/۰۰۱ |
| فشار هنجاری      | هویت             | ۰/۱۴            | ۰/۰۰۱         |
| سازگاری          | دینداری (میانجی) | ۰/۱۷            | ۰/۰۰۵         |
| سازگاری          | هویت             | ۰/۲             | کمتر از ۰/۰۰۱ |
| دینداری (میانجی) | هویت             | ۰/۷۷            | کمتر از ۰/۰۰۱ |
| عزت نفس          | دینداری (میانجی) | ۰/۰۲۲           | ۰/۷۰۱         |
| عزت نفس          | هویت             | ۰/۰۱۱           | ۰/۸           |

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود با توجه به اینکه مقدار معناداری رابطه بین متغیرهای فشار هنجاری و سازگاری اجتماعی با هویت جوانان کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معناداری باشد. از طرفی شدت و جهت این رابطه با توجه به ضریب مسیر این دو متغیر با هویت جوانان به ترتیب برابر ۰/۱۴ و ۰/۲ است، که نشان می‌دهد متغیر فشار هنجاری و سازگاری اجتماعی به اندازه ۰/۱۴ و ۰/۲ بر متغیر هویت جوانان شدت اثر دارند. از طرفی جهت آن با توجه به علامت این ضرایب مثبت می‌باشد. همچنین با توجه به نتایج جدول مشخص می‌شود که متغیر دینداری برای اثر متغیر فشار هنجاری و سازگاری بر متغیر وابسته هویت دارای نقش میانجی می‌باشد ولی برای متغیر عزت نفس به دلیل عدم معنی‌داری رابطه بین عزت نفس و دینداری نمی‌تواند در نقش میانجی قرار گیرد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

## بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که فشار هنجاری و سازگاری اجتماعی دو عامل اساسی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان هستند و دینداری به عنوان متغیر میانجی می‌تواند شدت و جهت اثر این دو متغیر را تعدیل و بازتعریف کند. این یافته با ادبیات موجود درباره نقش هنجارهای اجتماعی و ساختارهای ارزش‌گذار در شکل‌دهی هویت کاملاً همسو است. به‌ویژه، نظریه هنجارهای ذهنی ریمال و ریل بر این نکته تأکید می‌کند که افراد، به‌ویژه جوانان، رفتار خود را بر اساس درکشان از ارزش‌گذاری دیگران سامان می‌دهند، بنابراین فشار هنجاری می‌تواند کنش‌های فرد را در راستای رفتارهای جمعی تنظیم کند (Rimal & Real, 2003). همین ایده در نظریه «نفوذ هنجاری محدود» کینکید نیز بازتاب یافته است؛ وی نشان می‌دهد که افراد در شبکه‌های اجتماعی در معرض تأثیر هنجارهایی قرار می‌گیرند که رفتارها و جهت‌گیری‌های

آنان را محدود کرده و در عین حال به آن‌ها چارچوب عمل می‌بخشند (Kincaid, 2004). نتایج پژوهش حاضر که نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار بین فشار هنجاری و هویت اجتماعی است، دقیقاً با چنین نظریه‌هایی همخوانی دارد.

از سوی دیگر، رابطه معکوس و معنادار میان فشار هنجاری و دینداری در پژوهش حاضر می‌تواند نشانه‌ای از تضاد میان ارزش‌های دینی و برخی فشارهای اجتماعی جدید باشد. این یافته را می‌توان در پرتو تغییرات گسترده در ساختار هویتی نسل جوان در ایران تحلیل کرد؛ تغییری که پژوهشگران آن را ناشی از مواجهه میان الگوهای ارزشی مدرن و سنتی دانسته‌اند. برای نمونه، پژوهش حسن‌پور درباره شکاف‌های ارزشی میان نسل‌ها در ایران نشان داد که مدرنیزاسیون و نوسازی می‌تواند تضاد ارزش‌ها را تشدید کند و زمینه را برای فاصله گرفتن نسل جوان از هنجارهای سنتی فراهم سازد (Hasanpour et al., 2019). همچنین بررسی‌های مرتبط با بحران هویت در ایران نیز نشان می‌دهند که هنجارهای اجتماعی جدید اغلب در تضاد با منابع معنایی سنتی قرار می‌گیرند و ممکن است جوانان را در مسیرهای متعارض هویتی قرار دهند (Meskhini et al., 2023).

نتیجه معکوس میان دینداری و هویت اجتماعی در این مطالعه ممکن است به این دلیل باشد که جوانان دیندار، هویت خود را بیش از آنکه در چارچوب شبکه‌های اجتماعی گسترده تعریف کنند، در امتداد هویت فردی-معنوی و یا هویت جمعی مذهبی خود بازسازی می‌کنند. این یافته مشابه دیدگاه‌هایی است که دین را یک ساختار هویت‌بخش مستقل از هویت اجتماعی سکولار می‌دانند. هرویو-لژر معتقد است که دین با ارائه روایت‌سازی معنایی منسجم، می‌تواند چارچوبی مستقل برای شکل‌گیری هویت به وجود آورد و در بسیاری موارد جایگزین هویت اجتماعی مدرن شود (Hervieu-Léger, 2006). همچنین مطالعات بنگتسون درباره نقش دینداری در سالمندان و نسل‌های مختلف، نشان می‌دهد که مذهب اغلب با سازوکارهایی متفاوت از هویت اجتماعی شکل می‌گیرد (Bengtson et al., 2015). بنابراین مشاهده رابطه منفی میان دینداری و هویت اجتماعی در این پژوهش می‌تواند بازتاب همین سازوکارهای ارزش‌گذار باشد.

یافته‌های مربوط به سازگاری اجتماعی نیز نشان داد که این متغیر با هویت اجتماعی رابطه مثبت و معنادار دارد و دینداری در این میان نقش میانجی ایفا می‌کند. این نتیجه دقیقاً با دیدگاه بلومر همسو است که معتقد است هویت از رهگذر کنش متعامل و درونی‌سازی نقش‌های اجتماعی ساخته می‌شود، و افرادی که سازگارتر هستند، در موقعیت‌های اجتماعی بیشتر امکان شکل‌دهی هویت منسجم را خواهند داشت (Blumer, 2013). افزون بر این، نظریه ساختار اجتماعی-کنش پارسونز نیز از این فرض دفاع می‌کند که هنجارهای فرهنگی از طریق یادگیری اجتماعی درونی می‌شوند و هویت را تثبیت می‌کنند (Parsons, 2007). با توجه به این نظریه‌ها، ارتباط مثبت سازگاری اجتماعی با هویت امری طبیعی است، زیرا جوانانی که رفتارهای اجتماعی هم‌نوا با گروه دارند، بیشتر به رسمیت شناخته می‌شوند و پذیرش جمعی بیشتری کسب می‌کنند.

از سوی دیگر، رابطه معکوس میان سازگاری اجتماعی و دینداری نشان می‌دهد که جوانان سازگار ممکن است بیش از اینکه از ارزش‌های دینی متأثر باشند، از فشارهای اجتماعی و فرهنگی محیط پیروی کنند. این یافته با پژوهش‌هایی همسوست که نشان می‌دهند ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مدرن می‌توانند فاصله‌ای میان نسل جدید و منابع سنتی ایجاد کنند. برای نمونه، در پژوهش خضایی درباره هویت بدنی دختران نوجوان در ایران تأکید شده است که فشارهای اجتماعی جدید می‌تواند مسیر ارزش‌گذاری نوجوانان را تغییر دهد و فاصله آنان از منابع سنتی را افزایش دهد (Khazaei & Riahi, 2021). همچنین بررسی منینگ درباره نقش هنجارهای ذهنی نشان می‌دهد که افراد معمولاً تحت تأثیر فشار اجتماعی رفتار می‌کنند، حتی اگر این فشارها با باورهای شخصی آنان همسو نباشد (Manning, 2009). بنابراین کاهش دینداری در میان افراد سازگار ممکن است از همین سازوکار سرچشمه بگیرد.

اما یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش حاضر، عدم وجود رابطه معنادار میان عزت‌نفس و هویت اجتماعی بود؛ نتیجه‌ای که برخلاف برخی از فرضیه‌های کلاسیک روان‌شناختی قرار می‌گیرد. در حالی که نظریه‌های هویت معمولاً بر اهمیت عزت‌نفس برای یکپارچگی هویتی تأکید دارند، یافته حاضر نشان می‌دهد که عزت‌نفس در بستر فرهنگی-اجتماعی ایران ممکن است نقشی مستقل و چشمگیر در هویت اجتماعی جوانان

نداشته باشد. پژوهش چنگ نشان داد که عزت نفس بیش از آنکه یک عامل مستقل باشد، نتیجه تعامل میان عوامل روان شناختی و فشارهای اجتماعی است (Chang & Suttikun, 2017). بنابراین منطقی است که عزت نفس نتواند رابطه‌ای مستقیم با هویت اجتماعی ایجاد کند، زیرا عوامل قدرتمندتری مانند هنجارهای جمعی، فشار همسالان، و ارزش‌های فرهنگی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌تری داشته باشند.

افزون بر این، یافته این پژوهش که عزت نفس با دینداری نیز رابطه‌ای معنادار ندارد، با برخی پژوهش‌های بین‌المللی همسوست. برای مثال، بررسی لیته درباره هویت مذهبی نشان می‌دهد که هویت دینی بیش از آنکه بازتاب احساس ارزشمندی فرد باشد، در چارچوب هویت جمعی، خانواده و مناسک دینی شکل می‌گیرد (Leite et al., 2023). همچنین پژوهش‌هایی مانند کار شواگر درباره پیوند بین دینداری و استرس نشان می‌دهند که دینداری لزوماً با شاخص‌های خودپنداره رابطه مستقیم ندارد (Schwaiger, 2022). بنابراین نتایج پژوهش حاضر در زمینه عدم تأثیر عزت نفس بر دینداری، منطبق با این خط پژوهشی نیز قابل تحلیل است.

نقش میانجی دینداری در روابط مشاهده‌شده نیز با ادبیات نظری هویت سازگار است. دین در جوامعی مانند ایران همچنان یکی از مهم‌ترین نظام‌های معنابخش و ارزش‌گذار است؛ نقشی که در آثار واهدی و احمدیان در تبیین رابطه میان دینداری و هویت دینی به‌خوبی نشان داده شده است (Vahedi & Ahmadiyan, 2014). همچنین پژوهش‌های اسمیت و دنتون درباره معنای دین در زندگی نوجوانان، نشان می‌دهد که دینداری می‌تواند سازوکاری برای جهت‌دهی رفتارهای اجتماعی باشد، به‌ویژه زمانی که جوانان تحت فشارهای اجتماعی چندگانه قرار می‌گیرند (Smith & Denton, 2009). بنابراین نقش میانجی دینداری در پژوهش حاضر نشانه‌ای است از اینکه دین می‌تواند مسیرهای اثرگذاری عوامل اجتماعی بر هویت را بازتنظیم کند.

افزون بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش دین در ساخت هویت جوانان همچنان پررنگ است، اما در بسیاری موارد این نقش در مواجهه با فشارهای اجتماعی و ارزش‌های جدید دچار تغییر شده است. پژوهش قبطیه درباره سستی هویت نوجوانان نیز نشان می‌دهد که یکی از عوامل مؤثر بر بحران هویت، ناهماهنگی میان ارزش‌های فردی و فشارهای بیرونی است (Qibtiya et al., 2025). همین وضعیت ممکن است در رابطه میان دینداری و فشار هنجاری نیز دیده شود، به‌طوری که جوانان دیندار کمتر از دیگران تحت فشار هنجاری قرار می‌گیرند زیرا پایبندی به ارزش‌های دینی آنان ممکن است آنان را در برابر هنجارهای غالب مقاومت‌پذیرتر سازد (Giuliani & Regalia, 2023).

در عین حال، یافته پژوهش حاضر که دینداری تنها برای متغیرهای فشار هنجاری و سازگاری نقش میانجی دارد، اما نمی‌تواند نقش مشابهی برای عزت نفس ایفا کند، نکته‌ای مهم را برجسته می‌کند: اینکه دینداری در ایران بیشتر در پیوند با عناصر ساختاری و اجتماعی هویت عمل می‌کند تا عناصر فردی و روان‌شناختی. این یافته با دیدگاه‌های نظری سیمل نیز همخوان است که دین را شکلی از کنش اجتماعی می‌داند که بیشتر با ساختارهای معنایی جمعی پیوند دارد تا ویژگی‌های فردی (Varga, 2016). همچنین پژوهش‌های اسپلمن درباره شبکه‌های دینی ایرانیان مهاجر نیز نشان می‌دهد که دین بیشتر در کنش‌های جمعی معنا می‌یابد و کمتر نقشی مستقل در ویژگی‌های فردی مانند عزت نفس ایفا می‌کند (Spellman & Spellman-Poots, 2004).

در مجموع می‌توان گفت یافته‌های این مطالعه با ادبیات موجود درباره نقش هنجارهای اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، سازگاری رفتاری و دینداری در شکل‌گیری هویت نسل جوان هم‌خوان است و در عین حال، شکاف‌های موجود در رابطه میان عوامل فردی و هویت اجتماعی را نیز آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر تأکید می‌کند که هویت در بستر ایران بیش از اینکه نتیجه عوامل فردی مانند عزت نفس باشد، محصولی اجتماعی، فرهنگی و ارزشی است که در ساختارهای تعاملی شکل می‌گیرد. همچنین نشان می‌دهد که دینداری همچنان نقش مهمی در بازتعریف رابطه فرد با جامعه ایفا می‌کند، هرچند ممکن است این نقش در بخش‌هایی از جامعه دستخوش تغییر شده باشد.

این پژوهش با وجود ارائه یافته‌های ارزشمند، محدودیت‌هایی دارد. نخست، داده‌ها بر اساس خودگزارشی گردآوری شده‌اند و احتمال سوگیری پاسخ‌دهندگان وجود دارد. دوم، مطالعه تنها در محدوده شهری اهواز انجام شده و تعمیم‌پذیری نتایج به سایر شهرها یا مناطق فرهنگی ایران

محدود است. سوم، ماهیت مقطعی پژوهش امکان تحلیل تغییرات هویتی در طول زمان را فراهم نمی‌کند. چهارم، متغیرهای پیچیده‌ای مانند هویت و دینداری ممکن است نیازمند ابزارهای چندبعدی‌تری باشند که در این پژوهش از آن‌ها استفاده نشده است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی از روش‌های ترکیبی، مصاحبه‌های عمیق و مطالعات طولی برای درک پویایی‌های هویت جوانان بهره ببرند. همچنین مطالعه نمونه‌های متنوع‌تر از نظر فرهنگی، قومی و طبقاتی می‌تواند تصویر جامع‌تری از سازوکارهای هویت‌ساز ارائه دهد. بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی آنلاین، تغییرات فرهنگی پس از تحولات فناوری، و مقایسه میان نسل‌های مختلف نیز می‌تواند ابعاد تازه‌ای به پژوهش‌های مرتبط با هویت اضافه کند.

برنامه‌ریزی فرهنگی برای تقویت هویت نسل جوان باید بر ایجاد گفت‌وگوی میان نسل‌ها، کاهش شکاف ارزشی و تقویت مهارت‌های سازگاری اجتماعی متمرکز شود. آموزش‌های سواد رسانه‌ای می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از سردرگمی‌های هویتی ایفا کند. همچنین فراهم کردن فضاهای مشارکت اجتماعی برای جوانان، افزایش حس تعلق و توانمندسازی معنوی-فکری آنان می‌تواند در تقویت هویت سالم و پایدار مؤثر باشد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

### شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## Extended Abstract

### Introduction

Identity formation during adolescence and young adulthood has increasingly become a central topic in sociological, psychological, and cultural research, especially in societies undergoing rapid modernization and value transformation. Identity, in its contemporary interpretation, is no longer regarded as a fixed and stable construct; rather, it is shaped through continuous interaction with social norms, cultural expectations, and individual meaning-making processes. Theoretical work on identity emphasizes the reciprocal nature of the relationship between individuals and their social environments, a perspective well articulated in symbolic

interactionism and sociological approaches to selfhood (Blumer, 2013; Giddens, 2007). Increasingly, young people must negotiate multiple, and at times contradictory, value systems, which creates pressure for adaptive strategies that influence identity outcomes.

One major set of forces shaping identity formation among youth consists of social norms, peer influences, and normative pressure. Studies demonstrate that subjective norms and perceived expectations of others strongly influence behavioral intentions and self-concept, particularly during adolescence when individuals are highly sensitive to acceptance or rejection by peers (Manning, 2009; Rimal & Real, 2003). Normative pressure may operate both directly, by shaping attitudes and behaviors, and indirectly, by influencing psychological processes that are central to identity development. In contexts experiencing cultural transitions, such as contemporary Iran, these pressures are magnified. As shown in research on identity crises and future cultural transformations among Iranian youth, social change often produces dissonance between traditional identity markers and modern expectations (Meskhini et al., 2023). Such contradictions can intensify the struggle for identity consolidation.

Another factor closely tied to identity formation is religiosity, which plays a multifaceted role in many societies, including Iran. Religiosity provides moral frameworks, behavioral guidelines, and collective meaning systems that can shape both personal and social identity. Prior studies show that participation in religious activities is associated with reduced risky behaviors and greater emotional stability in adolescents (Mellor & Freeborn, 2011; Sinha et al., 2007). Research on intergenerational religious transmission among families further highlights the role of religious identity in reinforcing belonging and continuity across generations (Giuliani & Regalia, 2023). Moreover, the psychological and social benefits of religiosity—including enhanced well-being, a stronger sense of purpose, and resistance to social pressures—have been documented across cultures (Alves et al., 2010; Vahedi & Ahmadiyan, 2014). Nevertheless, the relationship between religiosity and identity is complex, particularly among youth navigating competing cultural expectations. In some cases, strong religious commitment may strengthen personal identity while weakening alignment with secular social identity, as shown in studies of Iranian-Islamic identity and value-based identity construction (Azizkhani, 2021; Haqiqat, 2018).

A related construct with potential influence on identity formation is social adaptation, which encompasses behavioral alignment with social expectations, integration within social networks, and harmonious functioning in social environments. Studies emphasize that higher levels of social adaptation are associated with more stable identity structures and stronger feelings of belonging (Amiri et al., 2014; Chang & Suttikun, 2017). Likewise, theories of normative influence and cultural alignment suggest that individuals with higher adaptation capacities are more likely to internalize group norms, which may influence identity consolidation (Kincaid, 2004; Parsons, 2007).

In contrast, the role of self-esteem in shaping identity is widely acknowledged in psychological literature but remains less clear in culturally complex contexts. While some research shows a positive link between self-esteem and healthy identity formation (Dumas et al., 2012), other studies note that social and cultural constraints may diminish the impact of self-esteem on social identity. The divergence across empirical studies raises important questions about the contextuality of self-esteem as an identity predictor.

Given the diversity of these influences, scholars argue for integrative models that combine social, psychological, and cultural determinants of identity. The importance of analyzing identity through the lens of ideals, beliefs, cultural values, and social interactions has been emphasized repeatedly in contemporary theoretical work (De Ruyter & Conroy, 2002; King, 2019; Schwartz, 2012). In particular, researchers highlight the mediating role of religiosity in shaping how social pressures and personal attributes are internalized during identity formation (Leite et al., 2023; Smith & Denton, 2009).

In Iran—where religious norms, social expectations, and modern value systems intersect—understanding the mediating influence of religiosity on identity is especially critical. Studies indicate that youth in Iran increasingly experience conflicts between inherited religious values and evolving cultural expectations, which has fueled identity uncertainties (Hasanpour et al., 2019; Spellman & Spellman-Poots, 2004). Similarly, emerging research on adolescents and young adults shows the interplay of technology, family dynamics, and cultural pressures in shaping identity trajectories (Chen, 2025; Yim & McCann, 2024; Zhang, 2025). Considering these social dynamics, empirical examination of the pathways linking normative pressure, social adaptation, self-esteem, and religiosity to social identity is both timely and necessary.

The present study contributes to this growing body of research by examining the direct effects of normative pressure, social adaptation, and self-esteem on social identity among youth in Ahvaz, and by determining whether religiosity mediates these relationships. The analysis provides insights into how cultural and social forces interact with psychological constructs to shape identity within a rapidly changing socio-cultural environment.

### Methods and Materials

This study employed a cross-sectional survey design using a researcher-developed questionnaire to measure normative pressure, social adaptation, self-esteem, religiosity, and social identity among youth aged 18–29 in Ahvaz. A multi-stage stratified random sampling method was used to select 400 participants to ensure adequate representation from the city's different districts. Data were analyzed using structural equation modeling, including exploratory and confirmatory factor analyses. Reliability was assessed with Cronbach's alpha, and model fit was evaluated through multiple goodness-of-fit indices. Structural paths were tested to determine both direct and mediated effects.

### Findings

The analysis revealed a significant positive relationship between normative pressure and social identity. Normative pressure also showed a significant negative association with religiosity. Furthermore, religiosity demonstrated a significant negative association with social identity, indicating an inverse relationship between these two constructs.

Social adaptation exhibited a significant positive relationship with social identity, while also showing a significant negative association with religiosity. This suggests that higher social adaptation predicts lower religiosity and higher social identity.

In contrast, self-esteem did not demonstrate a significant relationship with either religiosity or social identity, indicating that it does not serve as a predictor of identity outcomes within this sample.

Mediation analysis showed that religiosity significantly mediated the relationship between normative pressure and social identity, as well as between social adaptation and social identity. However, religiosity did not mediate the relationship between self-esteem and social identity, consistent with the absence of direct effects.

### Discussion and Conclusion

The findings suggest that social identity among youth in Ahvaz is strongly shaped by social forces such as normative pressure and social adaptation. The presence of a mediating effect of religiosity offers insight into how culturally embedded value systems influence identity processes. While religiosity strengthens or redirects the influence of social factors on identity, it does not appear to interact meaningfully with psychological constructs such as self-esteem. This result supports the notion that in sociocultural contexts where collective norms and religious values remain highly salient, psychological traits may play a less central role in identity formation.

The inverse association between religiosity and social identity also suggests that religious identity and social identity may represent distinct or competing identity trajectories for some youth. The absence of a significant

link between self-esteem and social identity further reinforces the possibility that sociocultural determinants outweigh individual psychological variables in shaping identity in this population.

Overall, this study highlights the importance of considering the cultural and social positioning of youth when examining identity formation processes. The interplay between social norms, adaptation behaviors, and religious values provides a nuanced understanding of identity dynamics in transitional societies. These findings underscore the need for integrative frameworks that acknowledge both structural and personal influences on identity and illuminate the role of religion as a central mediating force.

## References

- Abbasi Moghadam, H. R., Esmaeili, M. R., & Zargar, T. S. (2021). Relationship between Lifestyle Model, Media Literacy and Social Identity in Sports Organizations. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 20(52), 29-40. [https://faslname.msy.gov.ir/article\\_438.html?lang=en](https://faslname.msy.gov.ir/article_438.html?lang=en)
- Agbo, A. A. (2010). Cronbach's alpha: Review of limitations and associated recommendations. *Journal of Psychology in Africa*, 20(2), 233-239.
- Alves, R. R. d. N., Alves, H. d. N., Barboza, R. R. D., & Souto, W. d. M. S. (2010). The influence of religiosity on health. *Ciência & Saúde Coletiva*, 15, 2105-2111. <https://doi.org/10.1590/S1413-81232010000400024>
- Amiri, M., Pourmousavi, S. M., & Sadeghi, M. (2014). An Investigation into social harms originating in squatter settlement in the district 19 of Tehran municipality from urban managers' perspective. *Journal of Urban Economics and Management*, 2(5), 119-137. <https://iueam.ir/article-1-62-en.html>
- Azizkhani, A. (2021). The Process of Forming "Found" Identity and "Constructed" Identity in Salafism and Political Islam. *Political Science - Baqir al-Uloom University*, 24(96), 35-60. [https://psq.bou.ac.ir/article\\_72651.html?lang=en](https://psq.bou.ac.ir/article_72651.html?lang=en)
- Bengtson, V. L., Silverstein, M., Putney, N. M., & Harris, S. C. (2015). Does religiousness increase with age? Age changes and generational differences over 35 years. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 54(2), 363-379. <https://doi.org/10.1111/jssr.12183>
- Blumer, H. (2013). Society as symbolic interaction. In *Human behavior and social processes* (pp. 179-192). Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315008196-11/society-symbolic-interaction-herbert-blumer>
- Carmines, E. G., & Zeller, R. A. (1979). *Reliability and validity assessment*. Sage publications.
- Chang, H. J., & Suttikun, C. (2017). The examination of psychological factors and social norms affecting body satisfaction and self-esteem for college students. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 45(4), 422-437. <https://doi.org/10.1111/fcsr.12220>
- Chen, Y. (2025). Analyzing the Impact of Social Media Usage on the Formation of Self-Identity Among Chinese Adolescents. *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*, 85(1), 186-192. <https://doi.org/10.54254/2753-7048/2025.21366>
- De Ruyter, D., & Conroy, J. (2002). The formation of identity: The importance of ideals. *Oxford Review of Education*, 28(4), 509-522. <https://doi.org/10.1080/0305498022000013643>
- Dehestani, M., Zadehmohammadi, A., & Mohammadi, S. (2012). Investigating the Level of Religiosity and its Relationship with Students' Identity Styles. <https://www.sid.ir/paper/129646/en>
- Dumas, T. M., Ellis, W. E., & Wolfe, D. A. (2012). Identity development as a buffer of adolescent risk behaviors in the context of peer group pressure and control. *Journal of adolescence*, 35(4), 917-927. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2011.12.012>
- Giddens, A. (2007). *Sociology*. Ney. <https://books.google.com/books/about/Sociology.html?id=vbu2gis26C0C>
- Giuliani, C., & Regalia, C. (2023). Intergenerational Processes and Diasporic Religious Identity Among Immigrant Coptic Families. <https://doi.org/10.3233/stal230008>
- Haj Hosseini, M., Nayeibi Astaneh, S., & Cheragh Molaei, L. (2024). Exploring the adolescent period experience in the construction of religious identity among girls. *Cultural Psychology*, 8(1), 246-271. [http://jcp.samt.ac.ir/article\\_203661.html](http://jcp.samt.ac.ir/article_203661.html)
- Haqiqat, S. S. (2018). Iranian-Islamic Identity: A Discourse Analysis. *International Journal of Human Rights*, 13(1), 91-110. <https://ensani.ir/fa/article/384932/>
- Harada, T., Abe, T., Kato, F., Matsumoto, R., Fujita, H., Murai, S., Miyajima, N., Tsuchiya, K., Maruyama, S., & Kudo, K. (2015). Five-point Likert scaling on MRI predicts clinically significant prostate carcinoma. *BMC urology*, 15, 1-7.
- Hasanpour, A., Hasanpour, V., & Kafi, M. (2019). A Comparative-Historical Analysis of the Modernization Project's Failure in Iran during the First Pahlavi Era (A Comparison with Turkey during the Atatürk Period using Boolean Algebra). *Applied Sociology*, 30(3), 63-90. [https://jas.ui.ac.ir/article\\_24029\\_en.html](https://jas.ui.ac.ir/article_24029_en.html)

- Hervieu-Léger, D. (2006). The role of religion in establishing social cohesion. In *Religion in the new Europe* (pp. 45-63). <https://doi.org/10.4324/9781003721628-4>
- Human, H. A. (2005). Structural equation modeling using LISREL software. Tehran
- Khazaei, S., & Riahi, M. E. (2021). A Qualitative Study of the Construction of Body Identity in Adolescents: High School Girls in Borujerd County. *Applied Sociology*, 32(1), 107-134. [https://jas.ui.ac.ir/article\\_24669.html?lang=en](https://jas.ui.ac.ir/article_24669.html?lang=en)
- Kincaid, D. L. (2004). From innovation to social norm: Bounded normative influence. *Journal of Health Communication*, 9(S1), 37-57. <https://doi.org/10.1080/10810730490271511>
- King, P. E. (2019). Religion and identity: The role of ideological, social, and spiritual contexts. In *Beyond the Self* (pp. 197-204). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203764688-11>
- Leite, Â., Nobre, B., & Dias, P. C. (2023). Religious Identity, Religious Practice, and Religious Beliefs Across Countries and World Regions. *Archive for the Psychology of Religion*, 45(2), 107-132. <https://doi.org/10.1177/00846724221150024>
- Ling, C. (2008). Relationships between Customer Satisfaction and Service Loyalty: Users' Perception on Telecommunication Service Providers in Malaysia. *Unpublished MBA thesis, Deakin University, Australia*.
- Manning, M. (2009). The effects of subjective norms on behaviour in the theory of planned behaviour: A meta-analysis. *British Journal of Social Psychology*, 48(4), 649-705. <https://doi.org/10.1348/014466608X393136>
- Mellor, J. M., & Freeborn, B. A. (2011). Religious participation and risky health behaviors among adolescents. *Health Economics*, 20(10), 1226-1240. <https://doi.org/10.1002/hec.1666>
- Meskhini, G., Sohrab Zadeh, M., Babaei Fard, A., & Hajiani, E. (2023). Future Developments of the Identity Crisis among the Youth in Iran. *Scientific Quarterly of Strategic Cultural Studies*, 3(2), 9-48. [https://scsj.ricac.ac.ir/article\\_183615.html?lang=en](https://scsj.ricac.ac.ir/article_183615.html?lang=en)
- Parsons, T. (2007). An outline of the social system [1961].
- Qibtiya, F. N., Mubarak, N. T., & Setiyowati, N. (2025). The Fragile Self: Unraveling the Complex Web of Factors Driving Adolescent Identity Insecurity. *Icossh*, 2(3), 746-766. <https://doi.org/10.61796/icossh.v2i3.108>
- Rafiee, F. (2023). The Role of Religious Identity in Predicting Internet Addiction and the Tendency towards Drug Use (Case Study: Adolescent Female Students in Pardis, Tehran). *Quarterly Journal of New Ideas in Psychology*, 16(20). [https://jnip.ir/browse.php?a\\_id=892&sid=1&slc\\_lang=en](https://jnip.ir/browse.php?a_id=892&sid=1&slc_lang=en)
- Rimal, R. N., & Real, K. (2003). Understanding the influence of perceived norms on behaviors. *Communication Theory*, 13(2), 184-203. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2885.2003.tb00288.x>
- Schwaiger, E., Zehra, Syeda Saniya, Suneel, Ivan. (2022). Attachment, Religiosity, and Perceived Stress Among Religious Minorities During the COVID-19 Pandemic: The Impact of Cultural Context. *Journal of Psychology and Theology*, 50(3), 369-383. <https://doi.org/10.1177/00916471211025532>
- Schwartz, S. H. (2012). An overview of the Schwartz theory of basic values. *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1), 11. <https://doi.org/10.9707/2307-0919.1116>
- Sinha, J. W., Cnaan, R. A., & Gelles, R. J. (2007). Adolescent risk behaviors and religion: Findings from a national study. *Journal of adolescence*, 30(2), 231-249. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2006.02.005>
- Smith, C., & Denton, M. L. (2009). *Soul searching: The religious and spiritual lives of American teenagers*. Oxford University Press. [https://books.google.com/books/about/Soul\\_Searching.html?id=NuFGIj97rKsC](https://books.google.com/books/about/Soul_Searching.html?id=NuFGIj97rKsC)
- Spellman, K., & Spellman-Poots, K. (2004). *Religion and nation: Iranian local and transnational networks in Britain* (Vol. 15). Berghahn Books. <https://doi.org/10.3167/9781571815767>
- Vahedi, S., & Ahmadiyan, R. (2014). The relationship between religiosity and religious identity styles, dimensions of psychological well-being with students. *The psychology of religion*, 7(14), 91-107. <https://ensani.ir/fa/article/342817/>
- Varga, I. (2016). Georg Simmel: religion and spirituality. In *A sociology of spirituality* (pp. 145-160). Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315565231-9/georg-simmel-religion-spirituality-ivan-varga>
- Wright, S. (1934). The method of path coefficients. *The annals of mathematical statistics*, 5(3), 161-215.
- Yim, C., & McCann, C. (2024). Effects of Social Support on Adolescent Identity Development. *J Emerg Invest*. <https://doi.org/10.59720/23-290>
- Zhang, Q. (2025). The Interplay of Technology, Family, and Identity: Chinese Adolescents' Self-Presentation on Douyin. *Frontiers in psychology*, 16. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1544224>